

نکات و جنبه های هنری فیلم

در این فیلم پنج هنرپیشه بزرگ عالم سینما شرکت دارند که چهارتن از آن ها در دل شخصیت های بزرگ داستان ظاهر میشوند و وجود این هنرپیشگان بزرگ هنرمند بر میزان ارزش فیلم می افزاید البته نه برای آنکه در این فیلم شرکت دارند بلکه برای اینکه این هنرپیشگان در دل پرسوناژهای بزرگ داستان فیلم ظاهر شده و در خود را هم به خوبی ایفا میکنند. ستاره اول فیلم «جنیفر جونز» ستاره درخشان عالم سینما میباشد که موفقیتهای زیادی بواسطه بازی در فیلم های بزرگ هنری بدست آورده است وی اولین بار بواسطه بازی در فیلم (آواز برناردت) بدریافت جایزه اسکار نائل آمد و سپس در فیلم های بزرگی مانند دوزخ در آفتاب - تصویر زنی و نامه های عشق با اتفاق جوزف کاتن شرکت کرد که کلیه آنها را در طهران نمایش دادند در این فیلم وی با احساسیت و مهارت زیادی در ایفای بازیها میکند البته بازیها در صحنه های مختلف تا اندازه ای ضعیف و قوی میگردد در چند صحنه بازی وی بخصوص از لحاظ حرکات عصبی چهره و حالت چشم فوق العاده قوی شده است «وان هفلین» هنرپیشه فیلم سه تفنگدار و خیابان دالین در دل دکتر بوواری، «اولی جوردان» هنرپیشه فیلم های نامه یک زن ناشناس و پارانین در دل یک جوان ثروتمند و «باشی و «گریستفر گنت» هنرپیشه فیلم سینگوالا در دل یک جوان دانشجو ظاهر میشوند.

موزیک متن فیلم از قسمت های پرارزشی است که لطف بخصوصی به صحنه ها بخشیده چند صحنه فیلم از لحاظ دکور و پلان بندی و اصول فنی سینما فوق العاده قوی تنظیم شده است قطعا جا داشت که چنین فیلمی جزء بهترین فیلم های سال شناخته شود.

هوزان تاثیر فیلم در مردم

این فیلم از لحاظ کلی مورد پسند عامه بیشتری از افراد روشن فکر و دستجات هنرمند و هنرپیشه واقع گردید طرفداران فیلم های قهرمانی اصلا به دیدن این فیلم ایامند تاثیرات تماشاچیان را دوشیزگان و بانوان تشکیل میدادند و قطعا جنبه های عشقی و صحنه های رقص و والس فیلم در احساسات رقیق دختران و پسران نو جوان فرق العاده موثر واقع شد و این خود یکی از عواملی بود که جوانان را وادار به تماشای این فیلم کرد و این تاثیر را باید یک اثر صرفا عسی از لحاظ جنبه عشقی دانست. اکثریت کسانی که این فیلم را دیده و پسند کرده بودند تنها اظهار عقیده کردند که فیلم خوب و لذت بخش بود و اگر از آنها بیشتر سؤال میکردید پاسخ میدادند که داستان فشنکی داشت! خیلی خوب بازی میکردند و صحنه والس اولی جوردان و جنیفر جونز خیلی تماشایی بود! همین و بس...

پایان يك همر

Death of a Salesman

محصول سال ۱۹۵۳ که پانی کلمبیا امریکسارژیمور: لاساوبندک
تهیه کننده: ستانلی کرامرموزیک از موریس ستواوف- رهبری
هوزیک باآلکس نورت - باشتراک: فردریک مارچ - میلدریک
دونوک - کوین مک کارتی

با فیلم پیش برویم

ما که خود دچار مضيقه و مصائب و مشکلات مادی زندگی بوده ایم تعلم باید
بتوانیم با این نوع گرفتاری ها و ناراحتی های مادی آشنا باشیم زیرا شکستی
نیست که اکثریت مردم جهان دارای ناراحتی ها و گرفتاری های مادی هستند که نتیجه
متداخل زندگی اجتماعی است. صاحبان کار و سرمایه افراد ذمهت کش و ابدال ناچیزی طرد
و محروم میکنند در این فیلم جنوزیک فرورونده مبنات استیصال مادی و نرسیدن به آمال و
آرزوهایش مجسم میشود اجتماع که بدون ترجم او را از نزد خود رانده چنان ویرا
تحت فشار قرار میدهد که او دیوانه میشود البته ده ها هزار نفر که دچار این مشکلات
مادی شده ، می آیند میروند و هیچگاه از حالت طبیعی خارج نمیشوند زیرا مانند
انسانهای مادی زندگی را دوست دارند و بهر وسیله که هست نمی خواهند آنرا از
دست بدهند و بلی لومانی کسی است که سالها به فرورونده گی اشتغال داشته ولی صاحبان
کار بدون آنکه قدرش را بدانند ویرا اخراج میکنند و او که در نتیجه داشتن روحیات
بخصوصی آمال و آرزوهای داشته چون در نتیجه استیصال مادی آمال و آرزوهایش
دانش بر آب مرییند دچار بحران روحی عجیبی میشود و فیلم در جایی آنگاه از
میشود که شبی بحران روحی و بلی به منتها درجه رسیده و دچار رویاهای عجیبی میشود...

او میخواهد است پسر بزرگش در امتحانات موفق شود و آینده خوبی برای
خود بسازد ولی همه اینها در نظرش غش بر آب شده می آید... برادر مرحومش را می
بیند که در تجارت خود موفقیت زیادی بچک آورده و سرمایه خوبی کسب کرده ولی
از طرفی او نمیتواند حتی برای مشوره اش که از او چورا ب میخواهد چورا بی بخرد
روبا هایکی پس از دیگری او را رنج میدهند و بالاخره صبح روز بعد هنگامیکه با

سازگاری بیرون می‌رود تضاد کرده و جان می‌سپارد فکر این داستان از لحاظ تجسم مشکلات و دردهای مادی و همچنین اصول پوسیده زندگی کنونی سرمایه‌داری که افراد را دچار مضيقه مادی ساخته و به نیستی سوق می‌دهد جالب است لیکن از چند لحاظ جدیداً مورد انتقاد میباشد ...

اولاً زندگی این خانواده با توجه به وضعیت خانه آنها هنوز در حدود متوسط بوده و کار بجائی نکشیده بود که سرپرست خانواده دچار چنین التهاب و جنونی بشود درست است که بیکاری برای توده مغرب‌زمین ناراحتی عجیبی است لیکن باید میزان آن توجه کرد بعلاوه در این فیلم از عالم معنی هیچگونه صحبتی نیست و تنها از جبرانهای روحی که ناشی از فشار مادی است صحبت میشود درحالیکه فشار مادی در این فیلم نسبت به بدبختی و فقر اجتماعی که در جهان وجود دارد بی‌اندازه ناچیز و مسخره است بدبختیهای وحشت‌آور بزرگ اجتماعی است که بشر را وادار به جدال و مبارزه کنونی ساخته . بنابر این چنین موضوعات تغلیبی نمیتواند از لحاظ جنبه اجتماعی در ردیف آثاری قرار گیرد که کلیات حقیقی‌تری از فقر توده های مردم و وحشتی که در نتیجه این فقر بوجود می‌آید تجسم گرداند ولی البته سوژه قوی، صحنه بندی و جنبه هنری فیلم از لحاظ بازی و موزیک فیلم را در ردیف محصولات با ارزش قرار میدهد .

نکات و جنبه‌های هنری فیلم

با توجه بیعت فوق درباره داستان و جنبه اجتماعی فیلم این‌طور نتیجه می‌گیریم که در فیلم پایان یک‌سره جنبه هنری بالاتر و قویتر از جنبه اجتماعی است و عبارت بهتر یک سوژه ناقص که فکر آن آنطور که لازم است پرورش نیافته در سبب بازی هنرپیشگان ارزش فوق‌العاده پیدا کرده است در اینگونه فیلم‌ها است که بازی آکتورها قسمت اساسی را تشکیل می‌دهد . در بسیاری از فیلم‌ها هنرپیشگان با بازی خود توانسته‌اند یک سوژه کوچک را بزرگ کرده و فیلم را خا از ارزش نمایند در این فیلم هم «فردریک مارچ» نمونه یک بازی قوی آرتیستیک را نشان میدهد حالت چهره او در بعضی از صحنه‌ها فوق‌العاده جالب است در چند صحنه دیگر در تجسم رویاهایی که دچار میشود فوق‌العاده طبیعی در رل خود ظاهر شده است پس از مارچ میلدرد دو فوک در رل پسر بزرگ او فوق‌العاده قوی بازی میکند در واقع کلیه هنرپیشگان فیلم کاملاً در قالبهای رل خود قرار گرفته و با نهایت مهارت نقشهای دشوار خود را ایفا کرده‌اند بدرویس در صحنه‌هایی که مقابل هم قرار می‌گیرند در تجسم حالات روحی و هیجانات درونی خود مهارت زیادی نشان میدهند موزیک متن فیلم در غالب صحنه‌ها با کوتاه و بلند شدن تم‌های مختلف در پرورش صحنه‌ها و بازی هنرپیشگان تاثیر بسزایی داشته است در واقع باید بازی، موزیک و دکوراسیون فیلم را فوق‌العاده عالی و درخشان دانست.

میزان تاثیر فیلم در مردم

بایان یک ضربتی از آن فیلمهایی بود که اصلاً مورد استقبال واقع نشد

و آثار آنها یکم فته در سینما کریستال نمایش دادند قطعا چنین فیلم سنگینی با آن صحنه های درهم و جریانات پیچیده خود نمیتوانست مطلوب دوستداران فیلمهای تقریبی باشد ، و کتر کسی از تماشاچیان حاضر شد خود را وادار بتفکر درباره فیلم و کشف مسائل و نکات پیچیده آن بنماید .

ولی چون سینما کریستال نمایش دهنده فیلم از همان شبهای اول در طی یک آکپی متذکر شده بود که این فیلم تنها برای علاقمندان محصولات سنگین هنری به عرض نمایش گذارده شده است بدینجهت آن تماشاچیبانی که همیشه خود را حاضر به کشیدن فریادهای گوش خراش و پس گرفتن پول بلیط مینمایند نتوانستند تظاهراتی بکنند .

عده ای هم بودند که بانهایت رغبت و علاقمندی این فیلم را تماشا کرده و از بازی و نکات هنری آن لذت بردند متاسفانه تعداد آنها آنقدر نبود که سبب شود فیلم مدت بیشتری روی پرده بماند .



نسل بیچاره

So Young so bad

محصول سال ۱۹۵۱ کمپانی یونایتد آرٹسٹ آمریکا - ریوسور
برناردور هوس - داستان اثر ژان پرورول - موزیک از و. سترینجر
باشتراک: پل هنریڈ - کاترین مک لود - آن فرانسیس - سیل کایولی
الی پولور - آن جاکسون



آن فرانسیس - الی پولور و آن جاکسون در فیلم نسل بیچاره

با فیلم پیش برویم

دسته جدیدی از دختران را بطرف دارالتادیب میبرند تا آنها را در تحت شرایط صحیح تعلیم و تربیتی راهنمایی و اصلاح کنند، دهنها دختر بجرم دزدی و عملیات خلاف قانون در این دارالتادیب بسر میبرند این نوجوانان منحرف را برای این به اینجا آورده اند که تحت اصول صحیحی تربیت نمایند !!! داستان ما از همین جا شروع میشود در میان این دختران چهار شخصیت برجسته تر جاب نظر میکنند که قهرمان اول داستان بشمار میرود دلورس دخترک حساس و شاعر منش ایتالیایی که تنها در گوشه ای با مجسمه کوچک حضرت مریم راز و نیاز میکند، چین دختر ساده و مظلومی که در گوشه زندان تنها با خرگوش کوچکی که دارد دلغوش است، ژاکی دخترک خشن و خون سردی که در روح او عصیان عجیبی وجود دارد او همواره میگوید که هیچ چیز او را منقلب نخواهد کرد و حتی قطره ای هم اشک نخواهد ریخت، و اما ارتداد دخترک هوشو که صاحب احساسات پاکی بوده و به مقتضای احساسات جوانی خود دنبال عشق رفته و در نتیجه پستی ها و بدیهایی که دیده است منحرف شده اصول غلط زندگی اجتماعی احساسات حقیقی او را تبدیل به يك احساسات کودکانه شهوانی ساخته و اما در این دارالتادیب مقرراتی خشن و اصول غلطی وجود دارد که دختران را وحشی تر و بدبین تر ساخته و روح عصیان را در آنها شدیدتر میکند شکنجه هاییکه از طرف متصدیان پرورشگاه نسبت به آنها میشود نه تنها آنها را اصلاح نمی کند بلکه از زندگی و مردم هم متنفر میسازد.

تمام وسائل تفریح آنها را میگیرند حتی اجازه نمیدهند مجسمه محبوب دلورس و خرگوش بی آزار چین از دشان بمانند در شبی که وسائل تفریح و اشیاء دختران را میگیرند خانم روهلر متصدی پرورشگاه خرگوش چین را زیر لگد کشته و بعد بکوره آتش می اندازد در نتیجه این عمل که مقابل چشم دختران انجام میگیرد احساسات دختران تهییج شده و در اطاق خود ایجاد حریق میکنند و پس از خاموش شدن حریق خانم روهلر تصمیم میگیرد مسبب حریق را تنبیه کند بدینجهت آنها را به زیر زمین برده و زیر فشار لوله های آب قرار میدهد در نتیجه این شکنجه وحشت آور دخترها به حالت اغماض می افتند ، در آخرین لحظه دکتر جاسون که از مخالفین سرسخت این گونه تعلیم و تربیت است سر رسیده و آنها را نجات میدهد پس از این واقعه خود دکتر جاسون برنامه جدیدی برای دارالتادیب تنظیم میکند در این برنامه تمام اشیاء دختران مسترد شده و بآنها مطابق ذوقشان کار های مختلفی مانند روزنامه نویسی و ماشین نویسی و ... واگذار میشود و حتی وسائل تفریح و ورزش آن ها فراهم میگردد بدین طریق هر يك از دخترها قفسی را یاد میگیرند که پس از آزادی میتوانند از آن استفاده کرده و شرافتمندانه زندگی کنند و علاوه بر این در هوش بدینی در آنها حس امید به زندگی بوجود میآید ولی باز هم رئیس دارالتادیب و خانم روهلر دخالت کرده و با عملیات خود سبب میشوند که دلورس حساس انتحار کند معاکمه آغاز میشود ... و بالاخره دکتر جاسون با کمک ژاکی و ارتنا باعضاء دادگاه ثابت میکند که این اصول تعلیم و تربیت چه قدر غلط بوده و متصدیان پرورشگاه چه عملیات فجیبی میکرده اند در پایان دکتر جاسون دوباره اصول جدید و برنامه های



لرا و روت نسبت بهم حدودی می کنند، صحنه ای از فیلم نسل بیچاره

خود را آغاز می کند لرتا که باز علاقه مند بوده چون متوجه می شود که چنین علاقه ای چقدر کودکانه است بنا به توصیه و نصیحت دکتر جاسون به نزد کودک خردسالش که در پرورشگاه نهاده بود میرد تا مادر خوبی برای او باشد. از لحاظ روانی، اجتماعی و اخلاقی فیلم نسل بیچاره یک شاهکار دهنی و آموزنده بشمار میرود و قوه تک تضاد های شدید طبقاتی توسعه فساد اخلاق مسبب می شود که جوانها در عوض اینکه در تحت شرایط صحیح و مریبان دلسوزی تحت تربیت قرار گیرند آواره و سرگردان و فاسد شوند.

مصائب و حشتناک جنگ روحیات و احساسات جوانان را در هم می شکند و آنها را با فساد و خشونت و بدبینی در می آمیزد پدر و مادری که خود دنبال هیاشی می روند فرزندان خود را تنها و بی سرپرست در محیط کثیف باقی می گذارند پدر و مادران دیگری که شاید بتوانند کودکان خود را پرورش دهند در نتیجه وقوع جنگ کشته شده و فرزندان آنها می گذارند. بی رحمیها و وحشیگریها و پوسیدگی فکری در شرایط کنونی نسل های جوان را یکی پس از دیگری محکوم به فساد و نابودی می سازد دخترانی که ما در این فیلم می بینیم افراد بیگناهی هستند که شرایط زندگی و فشار محیط آنها را بطرف فساد سوق داده است آنها با امید و آرزوی زیادی پادپرورشگاه می آیند تا شاید در آنجا سعادت و آرامش مطلوب خود را بازیابند ولی در آنجا با آنها مانند برده های فراری قرون وسطی رفتار میکنند چیزی بنام تعلیم و تربیت در آنجا

وجود ندارد در اینجا پیام بصری نشان میدهد که در کشور های متمدن نیز اصول تعلیم و تربیت چقدر غلط و حتی وحشت انگیز است و این می رساند که صاحبان قدرت و پول بجز منافع خود هیچ چیز دیگری اندیشمند تضاد منافع بین آنها و حرص و طمع نتیجه همان ده ها بلکه صد ها هزار نفر را قربانی میسازد قطعا لازم بود چنین فیلمی بهتر و قوی تر تهیه می شد و پایان آن بطرز قوی تر و پر مفهوم تر خاتمه مییافت .

در فیلم نشان داده میشود که با برقراری يك اصول صحیح امید بخش روحیات دخترها تغییر پیدا میکند لرتا که کودک خود را رها کرده بود پس از آزادی مجددا نزد او میرود ، ژاکی با آنهمه خشونت و خون سردی هنگامیکه محبت لرتا را نسبت به کودکش میبیند برای اولین بار در زندگی خود اشک میریزد و حتی جین که بدون وجود دوستش ژاکی نمیتوانست زندگی کند متوجه میشود که هواره نمیتواند با او باشد و با توجه به نکات فوق میتوان پی برد که فیلم دارای چه نکات با ارزش پر مفهوم و آموزنده ای است .

نکات و جنبه های هنری فیلم

از لحاظ کلی بازی هنر پیشه ها طبیعی و قوی است بازیها طوری است که بیننده تصور میکند که چنین جریاناتی واقعیت داشته و خود ناظر آنست و کمتر بنظر بیننده میآید که این پیام و بازی هنر پیشه است بدینجهت کلیه بازیها را باید طبیعی دانست بخصوص در درجه اول «آن فرانسیس» که برای اولین بار در فیلم بازی میکند در نقش لرتا ظاهر شده و دل خود را بینهایت طبیعی ایفا میکند شخصیت و حالات دخترها بسیار جالب توجه است ترکیب صحنه ها طوری است که بیننده را مجذوب میسازد و قطعا میتوان گفت که چنین داستان و فیلمی در نوع خود کاملا تازگی داشته و فقط به بختانه وجود خانمی بنام روت لورمیک در نقش محبوبه دکتر جاسون در فیلم فوق العاده زیبایی و بی مورد است و کلیتاً جنبه هنری فیلم در مقابل جنبه های اخلاقی و اجتماعی ناچیز است .

هیزان تاثیر فیلم و قضاوت های مختلف مردم

این فیلم برخلاف فیلمهای پایان يك عصر و تراژدی بناام هوس با استقبال عمومی رو برو شد . علت اساسی این استقبال این بود که موضوع فیلم طوری ترتیب داده شده بود که کلیه قسمت های آن نظر تماشاچی را جلب کرده و نکته بفرنج و پیچیده ای به راه نداشت اصولاً چنین موضوعاتی که بدین شکل ساده هم تنظیم شود چون ناقد پیچیدگی و فلسفه های مردم میباشد مورد توجه عموم قرار میگیرد ولی البته یازهم از این فیلم مانند فیلمهای قهرمانی تجارتمی استقبال نشد مسخره در اینجا بود که پس از اینکه بگفته از نمایش فیلم گذشت تازه مقامات وزارت فرهنگ در صد تشویق سینما گریستال بر آمدند و حتی برای سینمای نمایش دهنده فیلم نقضای مدال کردند . نتیجه این عملیات توزیع مقداری بابط مجانی میان دبیران مدارس بود که شاید این عمل بتواند زحمات وزارت فرهنگ برای توسعه فرهنگ در پرورنده های مخصوص ضبط شده باشد ؟

کارزوی کبیر

The Great Caruso

محصول رنگی سال ۱۹۵۱ کمپانی متروگاندوین مایر امریکا
رژیسور: ریچارد تورپ - تهیه کنندہ: جو پامترناک
بائتراك: ماریولا نزا - آن بلایت - ہارہ و لائو و تننا - دررونی کیرستن



صحنہ ای از فیلم کارزوی کبیر

با فیلم پیش برویم

این فیلم شرح حال اریکو کاروزو خواننده مشهور ایتالیایی است که در سال ۱۸۷۳ در ناپل با برصه وجود پیدا و بعد ها با آواز بی نظیر و استعداد فطری که داشت شهرت جهانی بهم زد تا اینکه در نیویورک در نتیجه بیماری سل در گذشت. کاروزو فرزند خانواده متوسطی بود که در ناپل بزمحت امر از معاش میگرداند وی در کودکی مادر خود را از دست داد ولی در همان موقع استعدادش در قسمت آواز مورد توجه قرار گرفت و در دسته کر مذهبی مقام شامخی را بدست آورد. هنگامیکه بسن ۲۰ سال رسید در کافه ها به آوازخوانی پرداخت و با انعامی که از مشتریها می گرفت تا اندازه ای امر از معاش میگردولی بزودی او را در اپرا استخدام کردند و چند سالی نگذشت که کاروزو خواننده مشهوری گشت و تول زیادی بهم رسانید وی بعد از چند سفر به شهرهای اروپا و شرکت در اپراها با آمریکا رفت و در لپرای متروپولیتین بنکار پرداخت

آن بلیت ستاره فیلم کاروزوی کبیر

و در آنجا او با دختری بنام دوروتی بنجامین ازدواج نمود و چند سال بعد در گذشت.

در این فیلم زندگی اریکو همراه با نمایشات اپرای او به چشم میگردد، منتهی مرحله اجتماعی زندگی او خلاصه شده و بیشتر به زندگی خصوصی و عشق بازی او توجه شده است تا بکار هنریش. قسمت آخر فیلم تا اندازه ناقص و ضعیف تمام میشود در حالیکه کاملاً ممکن بود داستان فیلم را بهتر و عالیتر پرورش داد و پایان آنرا بشکل قویتر و موثرتر تمام کرد.

کاروزوی کبیر یک فیلم بیوگرافیک است که از لحاظ جنبه هنری نمایش آواز و اپرا قوی و دیدنی ولی از لحاظ جنبه هنری اجتماعی ضعیف و ناقص بشمار میرود بخصوص صحنه های مقطع که زندگی کاروزو را خلاصه کرده و فشرده تحویل بیننده میدهدند از ارزش فیلم کاسته است.

نکات و جنبه های هنری فیلم

فیلم کاروزوی کبیر را باید از لحاظ موزیک و آواز و نمایشات اپرا با ارزش و دیدنی دانست صدای قوی ماریولا ترا که در دل کاروزو ظاهر میگردد و صحنه هاییکه از اپرایهای مشهور نمایش داده شده از قسمتهای با ارزش فیلم میباشد ولی باید گفت

که صرف نظر از آواز کلاژ و اپراهای فیلم چندان قوی و کامل نیست بخصوص که غالب آنها از همه تمام و ناتمام است علاوه بر این جریان فیلم آنطور که لازم است قوی ترتیب داده نشده در حالیکه اگر در عرض حجم صحنه های عشق بازی و نامزد بازی بر قسمت نمایشات فیلم اضافه میکردید برجسته هنری آن افزوده می شد و باز هم در این فیلم هدف مادی صاحبان کپتالی مانع از این شده است که بجنبه حقیقی هنریك فیلم بیوگرافيك آنطور که لازم است توجه شود ۱۱

در طی فیلم قطعاتی از اپراهای توسکا - لاخه با بااتزو ، تراویاتا ، هایده ریگولتو، اجرا میگردد . دورتی گیرستن قطعه آیدا، آن بلایت والس (شبهای دوست داشتنی سال) اثر شتراوس رامینخرانند. قطعاتیکه ماریولانزا بطور سولو در قسمت های مختلف فیلم میتواند عبارتند از : دوناموبیل از ریگولتو ، توسکا ، آیدا اپرای بوهم ، ژبوکندا ، باپساتزو ، لادانزا ، تورنسا آسوانتو ، آوه مباریا اثر شوپرت .

در طی فیلم از آهنگهای موسیقیدان بزرگ از جمله شوپرت ، لئوکادالو سکاگنی ، وردی، بوسینی، توستی، روسینی بگوش میرسد. کلیه این آهنگها و نمایشات با وجود کوتاهی با ارزش بشمار می روند

بازی «ماریولانزا» خواننده جوان و نوظهور که از فیلمهای او نوای دل - نشین را در تهران نمایش داده اند و همچنین «آن بلایت» در دل دوروتی خوب و متناسب بشمار می رود در واقع کاروزو را از لحاظ جنبه هنری باید فیلمی دیدنی و بسیار ارزش دانست بخصوص که مانند سایر فیلمهای بزرگ کمپانی مترو از لحاظ تکنیک و رنگ آمیزی نیز قوی است .

هیزان تاثیر فیلم در مردم

کاروزی کبیر در اسفند ماه گذشته بمرض نمایش گذارده شد و در میان طبقات روشنفکر و طراز اول موفقیت خوبی بدست آورد و بطور تقریب می توان گفت که کلیه دوستان این فیلمهای موزیکال هنری و علاقمندان موسیقی کلاسیك این فیلم را تماشا کرده و استقبال شایانی از آن نمودند . ولی البته در میان تماشاچیان این فیلم از علاقمندان فیلمهای قهرمانی تجارتی اثری نبود. غالباً سانسهای سوم و روز های وسط هفته سالن سینما غرق در تماشاچی میشد ولی در روزهای جمعه از تعداد مشتریان به قدر زیادی کاسته میشد ولی با همه این می توان گفت که عالی ترین پولیک برای دیدن این فیلم شتافتند و سینمای ایران در شبهایی که کاروزو را نمایش میداد نظم و ترتیب و آرامش عجیبی داشت و دیگر از جنبهال وحشت انگیز هوا خواهان فیلمهای قهرمانی و هیاهو تبعه شکنها خبری نبود

پرنس و گدا

PRINCE and **The PAUPER**

مجموعه ۱۹۴۸ کمپانی وارنر امریکاکاپیه شده در سال ۱۹۵۱
اثر مارک تواین، ریچارد ویلیام کنگلی، موزیک از اریک ولفگان



کورن گلد با اشتراک برادران
هوچ توینس (پلی و بولی)
ارل فلین و کلودرنس

فیلم پرنس و گدا

با فیلم پیش رویم

مارک تواین نویسنده انگلیسی داستانی بنام پرنس و گدا از وقایع انگلستان
بن شانزدهم نوشته که در واقع یک افسانه شیرین میباشد که بقول تواین معلوم
نیست که حقیقت داشته یا نه! مکان داستان در انگلستان و زمان سال ۱۵۴۷ موقع
سلطنت هانری هشتم است.



برادران موج: نوینس در فیلم پرنس و گدا

هانری پادشاه که نهم سال انگلستان پسر بی نام ادوارد دارد که باید جانشین او شود در جنوب شهر لندن نیز پسر بی نام سن ادوارد بی نام نوم که شباهت فوق العاده با او دارد زندگی میکند پدر نوم دزد و لکروی است که دائما پسرش را کتک میزند شبی نوم بقصر سلطنتی آمده و در زیر یکی از سکوها میخواهد قراولان او را دیده و هنگامی که میخواهند تنبیهش کنند ادوارد سر رسیده او را با خود بدرون قصر میبرد آنها تصمیم میگیرند که لباسهای خود و بدین وسیله مقام خود را با هم عوض کنند ادوارد با لباس زنده بجنوب شهر میرود و نوم در لباس پرنس در کاخ میماند هنگامیکه این رویا به حقیقت می پیوندد نوم وحشت کرده و بدرباریان اظهار میدارد که او پرنس حقیقی نیست ولی کسی حرف او را باور نکرده و همه فکر میکنند دیوانه شده است بدین ترتیب ماجرای شیرینی آغاز میشود که با حوادث جالب و تماشایی توأم است ادوارد پسر حقیقی شاه در لباس گدا بجنوب شهر میرود و همه جا خود را پرنس میخواهند ولی همه او را مسخره کرده کتک میزنند در این میان هانری پادشاه که نهم سال در میگذرد حالا باید مراسم تاجگذاری پسرش اجرا شود ولی پسر حقیقی او در لباس گدایان در جنوب شهر است و تنها از این موضوع چند تن از اشراف آگاهی یافته و میخواهند از چهره و لیمود دروغی سوء استفاده کنند حوادث شیرین رخ میدهند بالاخره پرنس حقیقی بجای خود بازگشته و با پدیده خود نوم زندگی جدیدی را

آنهاز میکنند داستان چالب و دلپذیری است که در فیلم هم بشکلی تماشاچی، مشغول کننده و شیرین درآمده است در واقع میتوان گفت که یکی از داستانهای بسیار ارزش تاریخی است که از جنبه های اخلاقی نیز بهره مند است بخصوص شخصیت های داستان و وضعیت دربار و تفاوت زندگی اشراف و توده مردم بخوبی نمودار میگردد در این فیلم نشان داده میشود که مردم مقامات و شخصیتها را از روی لباسشان میشناسند و لباس ها هستند که احترام دارند !! پرنس و گدا از آنگونه فیلمهایی است که کلیه دوستداران سینما را مجذوب و شیفته میسازد و قطعا جنبه گمراه کننده ای هم ندارد .

نکات و جنبه های هنری فیلم

فیلم پرنس و گدا در سال ۱۹۳۸ توسط کمپانی برادران وارنر که بهترین محصولات سینمایی هالیوود را میسازد تهیه شده فیلم از لحاظ بازی و موضوع فوق العاده قوی است و با وجود اینکه تکنیک و سبک فیلم برداری مانند سالهای اخیر قوی و کامل نیست لیکن سبک بازی هنرپیشه ها نهایت بهتر از بازی هنرپیشه های سالهای اخیر می باشد بدین معنی که غالب بازیکنان رلهای خود را در کلیه صحنه های فیلم فوق العاده طبیعی ایفا میکنند.

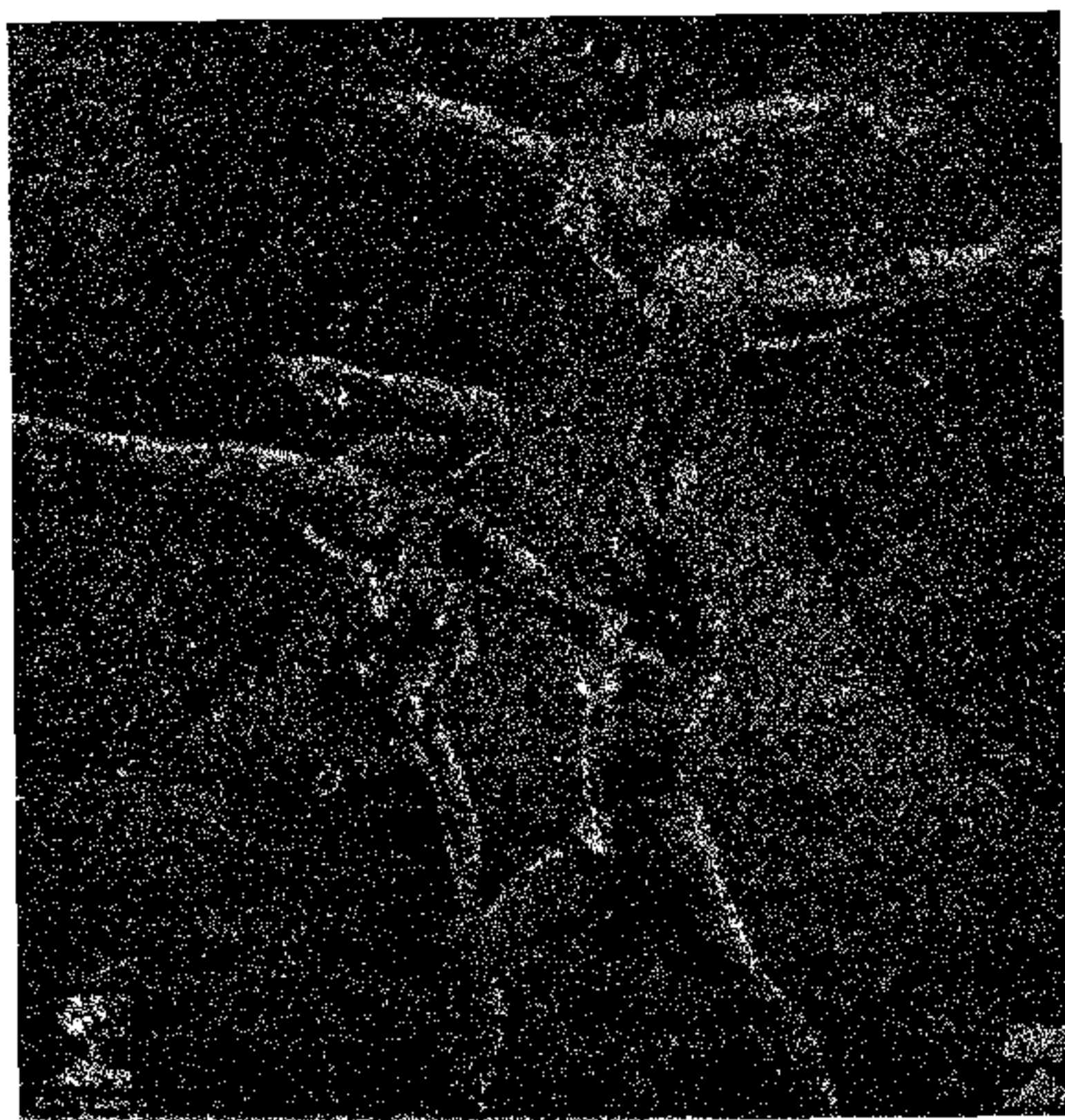
«برادران دوقلوی موج توپنس» در رلهای پرنس ادوارد و توم بهترین بازی را انجام میدهند بازی آنها از زست های تصنی و عملیات معیرالمقول کاملا بدور است ارول فلین و کلود رنس که از هنرپیشگان طراز اول حالا می باشند در این فیلم رلهای درجه دوم را بعهده دارند موزیک فیلم نیز برای يك داستان تاریخی خوب تنظیم شده و در بعضی از صحنه ها تم های مناسب و دلپذیری که در مجذوب ساختن بیننده بی اثر نیست اجرا میشود از دكورهای فیلم بخصوص دكورهای کاخ های سلطنتی باید بخوبی ذکر کرد

میزان تاثیر فیلم در مردم

فیلم پرنس و گدا ده سال قبل از این نیز در تهران نمایش داده شد ولی همان طوریکه پیش بینی میشد در زمستان گذشته هنگامی که برای دومین مرتبه روی پرده آمد بیشتر از سابق مورد استقبال قرار گرفت و ارزش آن برای عموم تماشاچیان بیشتر مشهود گردید قطعا داستان شیرین و صحنه های متنوع فیلم که دارای لطف و ارزش بی پایانی بودند در بینندگان تاثیر فراوانی کردند بطور قطع میتوان گفت که فیلم پرنس و گدا موفقیت خوبی بدست آورد و با وجود اینکه از آکسیون های فیلم های تجارتنی در آن خبری نبود عموم مردم فیلم را پسندیدند .

کنسرت استادان هنر

محصول تمام رنگی سال ۱۹۵۲ کارخانه لن فیلم شوروی با اشتراک
هنر پیشگان تاتر و ایراهای شوروی



صحنه‌ای از فیلم (صحنه شجاعان)

در میان فیلم‌های هنری که در سال گذشته نمایش دادند فیلم رنگی (کنسرت استادان هنر) یکی از برارزش‌ترین شاهکارها محسوب میشود که باید آنرا بعنوان عالی‌ترین اثر هنری سال شناخت با وجود اینکه این فیلم که از تعلیمات مختلف آنرا کنسرت و باله تشکیل یافته و دارای موضوعی نیست لیکن مجموعه این قطعات هنری

که تشکیل این فیلم را میدهند دارای مفهوم عالی و پرارزش اجتماعی میباشد بدین معنی که در طی فیلم نشان داده میشود که چگونه برای تجسم نایشات هنری و پرورش ذوق و استعداد های فطری افراد تاچه اندازه سعی و کوشش میشود.

هنرهای زیبا و هنرمندان بزرگ تاچه اندازه در جامعه باید صاحب قدر و منزلت باشند هنر است که در سایه زیبایی و نشاطی که به همراه دارد روح انسان را تصفیه ساخته و ایجاد هم بستگی بین افراد مختلف و مردم جهان مینماید. هنر بزرگترین وسیله است که می تواند مردم جهان را بهم نزدیک سازد زیرا در هنر جز زیبایی نشاط و نیروی فعاله زندگی چیز دیگری وجود ندارد بدین ترتیب يك چنین فکری را باید گرامی دانسته و بعنوان يك ابدیه بر مفهوم و آموزنده از آن یاد کرد.

قسمت های هنری فیلم

ملت روسی که در باله و اپرا از مدت ها پیش سرآمد اقران بوده است اکنون در سایه توجه بیمانندی که کارگردانان سینمایی اتحاد جماهیر شوروی برای پرورش هنر و هنرمند از خود مبذول میدارند آثار بی نظیر هنری ایجاد کرده و میکنند که نموداری از ترقی و تکامل هنر و دامنه عظمت آنست. اکنون بیس ها و نوشته های نویسندگان و شعرا و آهنگ های کمپوزیتور ها بشکل اپراهای با عظمت تاتر های شورانگیز و باله های سحرانگیز در روی پرده سینما مجسم میشود نموداری از این نایشات هنری فیلم کنسرت بزرگ و پس از آن کنسرت استادان هنر بود فیلم با کنسرت «سنفونی سوم چایکوفسکی» آغاز میشود.

موزیک با تم شدیدی قسمت ششم سنفونی را آغاز میکند و به هم با همان تم هدید آنرا به پایان میرساند.

پس اپرای «اوان سوسائین» که طویل ترین قسمت نمایش این فیلم است با صحنه آغازی در صحنهات عروس دختر سوسائین آغاز میشود در صحنه های بعدی سپاهیان لهستانی به کلیه سوسائین آمده و از او میخواهند که آنها را بمحل پنهانی مینین سردار بزرگ روسی آگاه کند، سوسائین آنها را بچنگل برده اغفال میکند و در آنجا به آنها میگویی که آنها دیگر هرگز نخواهند توانست از این چنگل رهایی یابند این صحنه ها از لحاظ آواز اپرا، دکوراسیون و سبک رنگ آمیزی جالب و با ارزش است قسمت سوم با باله «والس شوین» آغاز میگردد بار دیگر اولانوا مشهور ترین و زبردست ترین بالرین شوروی که در فیلم کنسرت بزرگ قطعه دریاچه قورا رقصیده بود روی پرده ظاهر شده و با مهارت زیاد و حرکات موزون والس دل انگیز شوین را اجرا میکند در صحنه اپرای بی بی بیک اثر پوشکین شاعر نامی ظاهر میگردد قسمت اصلی این اپرا صحنه اظهار عشق نسبت به کنستس جوان است لیکن از لحاظ هنری آواز خیلی ضعیف و از لحاظ فنی فون تند سبز که در رنگ آمیزی مشاهده می شود فوق ماده زننده و حتی بازی و سبک فیلم برداری هم خیلی ضعیف است در خلال این صحنه ها چند صحنه کوچک آواز اجرا میشود پس از بی بی بیک صحنه شورانگیز رقص «کایانه» اثر خاچاطوریان آهنگ ساز ارمنی تماشاچی را مبهورت میسازد عظمت و ابهت رقص شمشیر زنان ارزش اینگونه صحنه های هنری را مجسم میگرداند قسمت اول صحنه با تم شدیدی موزیک و رقص شمشیر آغاز میشود و پس این رقص

شیر تبدیل به باله ای میگردد که در موضوع آن روح شرقی نمودار است آخرین قطعه فیلم یاد ر واقع بهترین و کامل ترین قطعه فیلم رقص اسپانیایی رایوندا میباشد که قوی ترین و کامل ترین قسمت فیلم را تشکیل میدهد... هنگامیکه ناصدان دربار سلطان تصویر خواستگار رایوندا را میآوردند دخترک دلپاخته تصور میشود شب هنگامیکه جاری تابلو بخواب میرود در خواب می بیند که با نازد آنی خود میرقصد ولی صبح روز بعد این رو با بحقیقت می پیوندد و خواستگار زیبا و هنرمند او به قصر آمده و بانهاق در مجلس جشن و سرور میرقصند این صحنه های رقص عبارت از چند رقص باسه دو بل اسپانیایی و دو رقص سولوی باله میباشد که فوق العاده عالی اجرا میشود .

در این فیلم قطعات دیگری نیز اجرا میشود یکی رقص ملی روسی «کولیانکا» است که بشکل شورانگیز و هیجان آور و تماشائی اجرا میشود و گامین آورند «تپه های این» را می خوانند و کسرت سنفونی «آواز جنگل ها» اثر شوستا کوویچ را اجرا می کند قطعه ای همپنم «زنهای ریسنده» اجرا میگردد که البته این قطعات به پایه قسمت های بزرگ نیام نمی رسند . فیلم کنسرت استادان هنر يك برداشت واقعی از نمایشات هنری بشمار میرفت قطعاتی راها و بالتهای این فیلم را باید بعنوان یکی از بهترین شاهکارهای عالم سینما معرفی کرد

هیزان تاثیر فیلم در مردم

کسانی که به تماشای کنسرت استادان هنر شتافته بودند بر دو دسته بودند یکی علاقمندان آثار کلاسیک و دوستداران موسیقی و آواز و دیگری کسانی که خود را موظف بدیدن فیلمهای شوروی میدانستند که البته اکثریت با دسته دوم بود دسته اول در سایه علاقمندی خود از کلیه قسمت های فیلم لذت فرارانی برده و حتی چند مرتبه فیلم را تماشا کردند و قطعات این فیلم بخصوص رقص رایوندا و گیانه اثرات عمیق و فراوش نشدنی در آنها باقی گذاشت و اما دسته دوم تنها به لذت تظاهر فیلم را تماشا کرده و شاید هم برای آن دست زدند زیرا قطعا چنین فیلمی تنها میتواند مطلوب علاقمندان واقعی موسیقی کلاسیک و نمایشات سنگین هنری ابر و باله باشد و الا قطعی است کسانیکه موسیقی کلاسیک دوست نداشته و زبان روسی هم ندانند از این فیلم چیزی درك نگردند و تنها شاید يك اثر سطحی و آنی در آنها ایجاد شود طرفداران موسیقی کلاسیک و فیلمهای هنری از این فیلم مانند يك هدیه کمیاب و لذت بخش هنری استقبال کردند کسانیکه در فستیوال سینمایی سوم اردیبهشت ماه سال ۳۲ قطعات منتخب این فیلم را دیده اند نیکنند استقبال شایان توجهی از آن قسمت ها بعمل آوردند

سرچشمه

FOUNTAINHEAD

محصول ۱۹۵۰ که پانی برادران وارنر امریکا - رژیسور
گرنک ویدور سناریو از رین راند تهیه کننده - هنری بلانک
موزیک از ماگس ستیز - با اشتراک: نگاری کوپر پاتریشیائل - ریچارد
ماسی - رابرت دو کلاس - کنت هیت

بافیلوم پیش برویم

در اجتماع که اصول آن هیچیک از خواسته های معنوی مردم را برآورد
نی گشته اید و هدف معنوی افراد نیز باز بچه دست کسانی می شود که جز بقیودات
مادی بچیز دیگری نمی اندیشند آنها میخواهند هدف را بدهند معنوی مردم را با پول بخرند
و آنها را در زندگی خود محروم کنند شاید هم تصور میکنند که هر چیزی را با
پول میتوان خرید و هر فکری را با مقررات خشک و پوچ میتوان مقید ساخت ؟ اما
افراد هم پیدا میشوند که هدف و فکر خود را به هیچ چیز نمی فروشند آنها حاضر
نیستند هدف خود را حقیرتر از پول بشمارند یا خود را اسیر و بنده مقررات منحوس
بکنند که در زندگی ما وجود دارد . مهندس هوارد در آورد کسی است که در کار
ساختن خود و اصولا طرحهای ساختمان اشکار جدیدی بوجود آورده که راه
تکامل و ترقی را برای ساختن بناهای جدید بسبکی بهتر هموار میکند و اما صاحبان
کار آزاد میخواهند که طرز کار خود را تغییر داده پروژه های مطابق ذوق و میل
مردم بسازد ولی هوارد حاضر نیست در سبک کار خود تغییری بدهد او معتقد است که
هر پروژه های او برای رفاه مردم است تنها مردم هموما همیشه به اهمیت کار او پیوسته
نموده اند و بالاخره روزی که طرحهای او را تغییر داده و ساختمان های جدیدی
بسازند وی گریه این ساختمانها را منقبر میسازد و در محاکمه وی میگوید : ممکن
است مردم در يك زمان به اهمیت هر چیز او پیوسته باشند و اما هنگامیکه مالها می-
گذرد به سریع از آن استفاده نمایند و اهمیت آن آشکار شود ... من کسی هستم که
میل دارم در کار و پروژه من تغییری بدهند تغییر در پروژه من خیانت به هدف و کار یک
انسان محسوب می شود .

سرانجام هم او با موفقیت از میدان مبارزه با کسانیکه میخواستند با قرار دادهای مادی وی را مقید سازند بیرون میآید و اما این يك داستان فیلم است چبارت دیگر فیلی داستان دیگری هم دارد که آن داستان عشقی و روانی فیلم است در واقع در فیلم سرچشمه دو داستان برجسته و جالب توأم با هم وجود دارد یکی داستان اجتماعی فیلم و دیگری داستان عشقی فیلم می باشد داستان اجتماعی فیلم همان بود که فوقاً تعریف شد و اما در داستان عشقی فیلم يك شهوت عجیب و هیجان انگیز تجلی میکند دختری که شدیداً پای بند احساسات شدید جنسی خود بوده ظاهراً از مردها دوری می کند ولی باطناً در جستجوی معبود مطلوبی است که بتواند به احساسات شدید جنسی او پاسخ دهد این داستان عشقی در درجه اول در اطراف عشق توأم با شهوت «دومینیک» دخترک نویسنده متمولی نسبت به مهندس هووارد دور میزند دومینیک که مظهر خونسردی و بی اعتنائی در مقابل مردان است هنگامی که به مهندس جوان برخورد میکند تحت تاثیر چهره خونسرد و خاموش و نگاه نافذ او قرار میگیرد و به عنوان مختلف از او به منزل خود دعوت میکند ولی هر بار با چهره خونسرد و خاموش و بی اعتنائی هووارد که مظهر خونسردی و کار و فعالیت است مواجه میشود در مقابلش زانو میزند ، التماس میکند هنگامیکه مایوس میشود به دنبالش شتافته و با شلاق او را میکوبد آنوقت ورق بر میگردد نیمه شب هووارد به سراش میآید ، دومینیک در مقابل معشوقی که تا چندی پیش در مقابلش زانو زده بود استقامت میکند ولی سرانجام به زانو در آمده و تسلیم میشود اما هووارد که بکار خود بیش از هر چیز علاقمند بود و برا ترك کرده و بدنبال زندگی خود می رود دومینیک با گیل و بنانند مدیر روزنامه وینر ازدواج میکند ولی عشق خود را نسبت به هووارد در دل محفوظ نگاه میدارد اشتغال هر دو یعنی هووارد و دومینیک به امور ساختمانی سرانجام آنها را با هم رو برو میسازد و این شهوت تند که مدت زمان آنرا تبدیل بیک عشق شدید ابدی ساخته بود دومینیک و هووارد را بهم می رساند .

داستان اجتماعی فیلم از لحاظ فکر فوق الاماده غنی و عالی است زیرا بغوی نشان داده می شود که چگونه بین افرادی که هدف و کار خود را دوست دارند و کسانیکه می خواهند با قراردادهای مادی کار و ابتکار دیگران بشوند مبارزه است !! البته این نظر که شخص باید بمیل خود برخلاف میل و سلیقه اجتماع کار بکند بدین معنی که کار او برخلاف سعادت و رفاه مردم باشد صحیح نیست لیکن ما بغوی میدانیم که سلیقه عمومی اجتماعی در نتیجه شرایط زمانی و مکانی بر اساسی صحیحی استوار نیست با اجتماع نباید چیزی تعمیم کرد بلکه باید اجتماع را دعوت کرد تا بتدریج با اصول لازمه زندگی آشنا شود.

هدف و ایده هر هنرمند گرامی و مقدس است چه بسا اشخاص بزرگی که در دنیا بوجود آمده اند و اجتماع آنها را درك نکرده و آنها نیز در نهایت تیره روزی جهان را بدرود گفتند و پس از سالهای منمادی ارزش و عظمت آنها آشکار گردید با توجه باین نکات باید تبول کرد که هدف عالی هر فرد فروختنی نیست فیودات و قراردادهای مادی نمیتوانند ایده های عالی معنوی را تغییر دهند.

از لحاظ جنبه عشقی نیز فیلم بسیار قوی است صحنه های برخورد و عشق دومینیک و هوارد اصولاً تجسم شهوت عجیب و سوزناك يك دختر نسبت به يك مرد از قسمت هایی است که از لحاظ روانی فوق العاده عالی و موثر تنظیم شده صحنه های عشقی این فیلم را نباید با صحنه های عشقی فیلمهای دیگر قیاس کرد زیرا در این فیلم عشق و شهوت از نقطه نظر پسیکولوژی تشریح و بیان شده و ارزش آن فوق العاده است ما در زندگی خود کمتر با چنین احساساتی برخورد می کنیم گرچه این احساسات از لحاظ جنبه شهوانی فریتر از احساسات ساده عشقی است و شاید برای کسانی که بقول خودشان دوست دارند همه چیز زندگی ساده و هادی بوده و از حد خارج نشود چنین احساساتی نامفهوم و منحرف بیاید لیکن نباید فراموش کرد که احساسات غیر هادی است که نبوغ و افکار عالی را بوجود می آورد تنها این احساسات گاهی بیک شهوت شدید و گاهی هم با احساسات در مسائل دیگر تبدیل میشود.

نکات و جنبه های هنری فیلم

از لحاظ هنری نیز فیلم سرچشمه شاهکاری پر ارزش بشمار میرود دو قسمت هنری فیلم یکی بازی و دیگری موزیک متن فیلم است در واقع میتوان گفت که بازی قوی هنر پیشه های فیلم هر دو قسمت اجتماعی و عشقی داستان فیلم را بعد از اعلائی عظمت و ارزش خود رسانده است بدون شك ورزشی کاری کوپر و مهارت پاتریشیانل در تجسم صحنه های شورانگیز این فیلم سهمی بسزا داشته است کاری کوپر يك مهندس لعال خون سرد و با هدف را بخوبی مجسم میگرداند و اما پاتریشیانل بازیایی خیره کننده خود و حالت عجیب چشمهایش احساسات و حالت روحی شهوانی دومینیک را نشان میدهد باز هم موزیک متن فیلم که اثر ماکس ستیز آهنگ ساز نامی کپانی وارنر است بزرگترین و موثرترین نقش را در تجسم صحنه ها و همچنین جریان کلی فیلم بازی می کند آهنگهای موثر فیلم با تم های شدید و ملایم خود هیچان عجیبی برپا میکند تناسب این آهنگهای عالی با موضوع و جریانات فیلم بعدی است که باید گفت موثرترین دل را در فیلم سرچشمه موزیک بازی میکند تکنیک و بلان بندی فیلم نیز فوق العاده عالی تنظیم شده است.

هیزان تاثیر فیلم در مردم

خوب بیاد دارم آنروز صبح که خود بتنهائی در بالکن سینما رکس ایستاده و فیلم را تماشا میکردم در صحنه آخر فیلم هنگامی که دومینیک با آسانسور بطبقه ششم عمارت نزد محبوب خود هوارد میرفت موزیک فیلم بقدری هیجان انگیز و دلپذیر بود که من بی اختیار چند قطره اشك فروریخته و در مقابل عظمت هنر زانو بزمین زدم و اما با وجود اینکه فیلم سرچشمه تا اندازه ای مورد استقبال علاقمندان فیلم های دراماتیک واقع شد لیکن قطع دارم که کمتر چنین احساساتی و یا اصولاً تاثیری به بینندگان دست داد و علت اصلی استقبال مردم وجود جنبه شهوانی در فیلم و بازی کاری کوپر بشمار میرفت.

نظری به فیلم‌های دکومانتی و سایر پیام‌های سال گذشته



باریسف درانش موسورسکی در فیلم موسورسکی

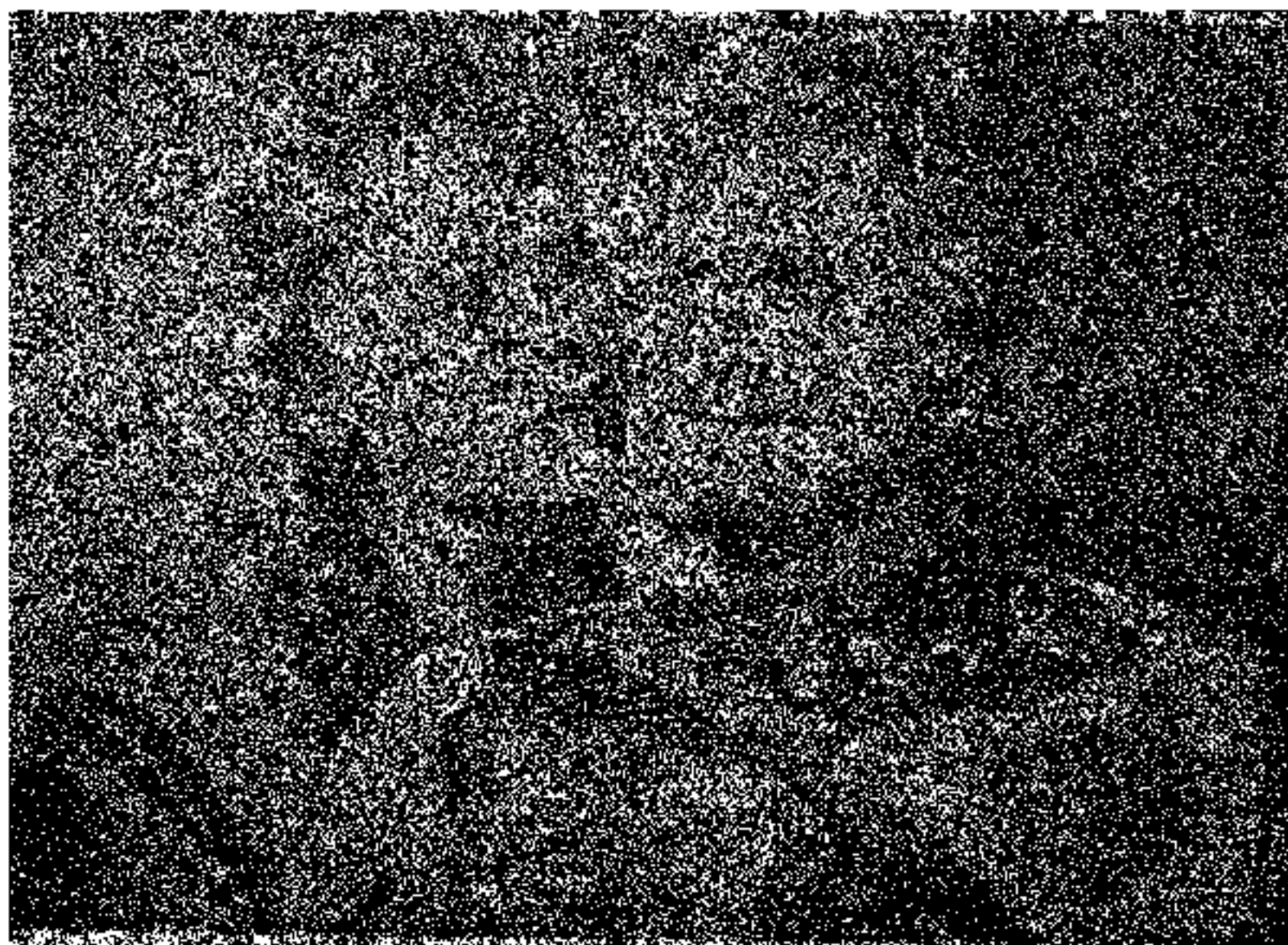
علاوه بر فیلم‌های بزرگ آرتیستیک در طی سال گذشته فیلم‌های دکومانتی بزرگی نیز نمایش دادند که از هر جهت حائز توجه و دیدنی بود در میان این فیلم‌ها باید از شامکار رنگی صحنه شجاعت یا سیرک شوروی ذکر کرد.

صحنه شجاعان مجموعه‌ای از هنرآموزی استادان و هنرمندان سیرک شوروی بود که در آن نمایشات مجیرالقول اکروباسی، عملیات حیوانات و از جمله دو چرخه سواری خرس‌ها و فوتبال‌سک‌ها دیده میشد و طی فیلم بخوبی نمایان می‌گردید که هنرمندان سیرک در سایه تمرینات منظم و تشویق لازم عالی‌ترین نمایشات هنری سیرکی را اجرا می‌کنند در واقع صحنه شجاعان بهترین فیلم دکومانتی‌ای بود که سال گذشته نمایش داده شد متأسفانه روی پرده سینماهای ما کمتر فیلم حقیقی

که نمودار واقعی زندگی و جنبش مردم می باشد دیده میشود بدون شك در فیلم های حقیقی ما واقعات و نکات بدرد بخور و تمرینغشی را میبینیم که برای عموم مردم مفید و حتی ضروری است این نکات کمتر می توانند در فیلم های غیر حقیقی دیده شوند مثلا در همین فیلم صحنه شجاعان که فقط فیلم برداری از نمایشات سیرکی است ما عملیات هنری جوانان را می بینیم هنرمندان اکروبات در نمایشات تماشائی و حرکات حیرت انگیز و عجیب خود که با نرمش فوق العاده اجرا میشود تکامل هنری و استعدادی را که در وجود افراد بشر نهفته است نشان میدهند و بیننده بخوبی متوجه میشود که انجام این حرکات چقدر دشوار و مستلزم چه استعدادی است ، گذشته از این ها در فیلم می بینیم که چگونه این عملیات اکروباسی و ورزشی را از شکل خشن اولیه خارج ساخته و بر طبق قواعد کلاسیک تنظیم نموده اند نکته جالب و قابل توجه دیگر فیلم نمایشات دسته جمعی بازیکنان است و این بخوبی میرساند که این هنر منحصر بیک یا چند فرد نیست بلکه درها و صدها افراد با استعداد در کلاسهای مخصوص تعلیمات لازم را فرا گرفته و در نتیجه این نمایشات هنری و ورزشی را روز بروز کامل تر و بهتر اجرا میکنند .

این تنها نمونه ای از نوع نمایشهای دکورماتیک است در سایر فیلم های دکورماتیک نمایشات هنری دیگر جنبش ها و زندگی مردم نقاط مختلف چهار را می بینیم بنا بر این باید به ارزش محصولات مستند واقف باشیم .

از فیلم های با ارزش دیگری که در سال گذشته نمایش داده اند یکی «سالتزی» «همای سعادت یا ساد کو» را که یک محصول شیرین موزیکال محسوب میشود و دارای فکرون



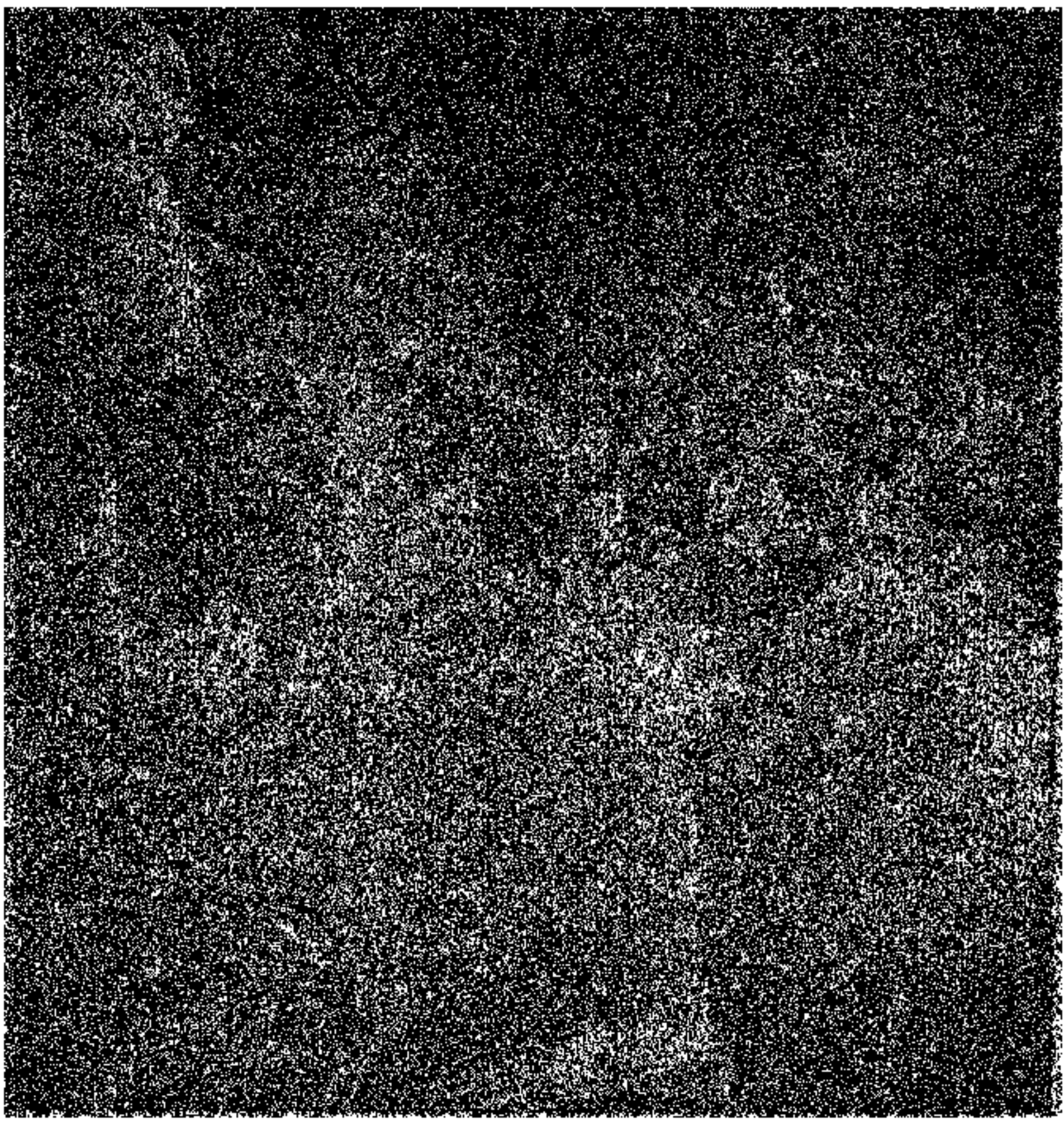
صحنه ای از فیلم همای سعادت

تاراس شچنکو سراینده اشعار روستائی

ایده مترقی اجتماعی بود بایه ذکر کرد دیگر از فیلم های سینما با ارزش سال گذشته پیام مهر مانان « هارام » محصول کمپانی کلمبیا امریکا بود که آن عملیات شیرین تیم سیاه پوست بسکتبال هارام امریکایده میشد از فیلم رگی ماکیهکا محصول شوروی - نبرد راه آهن محصول فرانسه - داغ فرای محصول امریکا - لباس روسی محصول فرانسه و بالاخره فیلم دکومانته جشن ورزشی جوانان نیز باید بخوبی یاد کرد .

اگر به آمار ولایت بهترین فیلم های چهار سال اخیر توجه کنیم به جنبه و میزان ارزش انواع وسبک سینمای کشور های مختلف بی خواهیم برده محصولات انگلیسی ارزش و برتری فوق العاده خرد را ثابت نمودند داستان های پیچیده و پر خرد را مانیک جنبه ها و نکات پر مفهوم فلسفی و روانی و بالاخره سبک شیرین فیلم برداری و صحنه بندی و سبک اساس وسبک صنعت سینما توگرافی انگلیسی میباشد و بخوبی مشهود میگردد که کارگردانان سینمای انگلستان ناچه در جنبه هنری و آرتیستیک محصولات خود توجه میکنند . اما در محصولات شوروی بیشتر به مفهومات اجتماعی بر خورد می کنیم اساس سینما توگرافی شوروی روی بکهدف اجتماعی و تجم و تلاش زندگی عمومی مردم و همچنین خدمات و مبارزات اجتماعی شخصیت های بزرگ تاریخی دوره زند از این فیلم ها بابت تاراس شچنکو - موسورسکی - همای سعادت و شوالیه ستاره زرین را نام برد که در کلیه آنها ایده و نتیجه پیام بیشتر از قسمت های دیگر جلب نظر میکنند و در واقع از کان

هر فیلم نیز موضوع و فکر فیلم است و قسمتهایی مانند بازی هنرپیشه و تکلیف و مسأله برای تپسم ایده و تکمیل و پرورش داستان محسوب میشوند علاوه بر این فیلمها سه دسته دیگر از نوع فیلمهای شوروی نیز با ارزش و دیدنی بشمار میروند یکم فیلمهای مولتی پاپکاسیون (میکی موز) میباشد که برخلاف فیلمهای میکی موز امریکایی دارای موضوعات با معنی و نتایج گرانبهای اخلاقی هستند در واقع میتوان با های مولتی پاپکاسیون شوروی را بهترین وسیله تعلیم بصری جهت کودکان جوانان دانست دسته دوم فیلمهای با ارزش شوروی فیلمهای موزیکال کلاسیک میباشد که در آن نمایشات عالی اپرا و باله بچشم میخورد نمونه این فیلم با کنسر بزرگ و کنسرت استادان هنر بودند در واقع پیام های موزیکال کلاسیک شوروی را لحاظ اپرا و باله در جهان رتبه اول را دارا هستند سومین دسته فیلم های ارزش و روی محصولات دکورمانته هستند اما از محصولات دراماتیک عشقی و جنایی و پانچ و با فیلم های قهرمانی در میان محصولات شوروی اصلاح دیده اند:



چرکاسف در فیلم موسورسکی

علاوه بر این تاکنون دیده نشده که شوروی‌ها از آثار نویسنده‌گان بزرگ خارجی و موضوعات کمدی یا تراژدی کلاسیک فیلمی تهیه کنند و اگر یکی دو فیلمی هم تهیه کرده‌اند هیچ‌یک حائز ارزش نبوده‌اند بازی آکتورهای سینمایی شوروی نیز از لحاظ اصول سببانی چندان قوی نبوده و بیشتر جنبه تاترال دارد. اما نظری به محصولات امریکا بپسندیم... هالیود سازنده پرخرج ترین فیلمهای جهان يك موسسه بزرگ تجارتي محسوب میشود که ماهی ده ها فیلم بنقاط مختلف جهان میفرستد بر کسی پوشیده نیست که هدف مادی کمپانی‌ها بر جنبه هنری کار آنها توفیق دارد و بهمین جهت در میان بیست فیلم تجارتي شاید تنها يك فیلم از لحاظ هنری حائز ارزش باشد و اما چون هالیود محل تجمع عده بیشماری از بهترین و بزرگترین هنرمندان و هنرپیشگان جهان است بدینجهت در سایه مجاهدت همین عده فیلمهای بزرگ و بی نظیری مانند بهترین سالهای زندگی ما - بر باد رفته - تراموای بنام هوس - جانی بلیندا - کازابلانکا - رودخانه و... بوجود می‌آید که از بهترین شاهکارهای سینمایی جهان هستند. البته کمیت از لحاظ اصولی در محصولات هالیود به سائل تک‌یک، دکوراسیون و موزیک بیش از هر چیز دیگر و حتی موضوع توجه میشود و در محصولات دراماتیک بازی هنرپیشه اصل پیام را میگردانند بدین حلت محصولات این کمپانی‌ها از لحاظ موضوع و فکر بوج و مبتدل و نسبت بهم متشابه گردیده‌اند که دیگر برای کسانی که باین محصولات آشنایی دارند بی اندازه بکنواخت شده‌اند. محصولات بزرگ کمپانی‌های هالیود از لحاظ میزان خرج تکنیک و دکوراسیون در جهان بی همتا میباشد.

در اینجا مباحث انتقادی ما خاتمه می‌یابد ولی هنوز نکات و مسائل زیادی در باره سینما وجود دارد که باید بطور مبسوطی درباره آن بحث شود. من از خوانندگان عزیز که مطالب کتاب را تا اینجا خوانده‌اند ببار دیگر تقاضا دارم که نظریات خود را بر این ارسال دارند تا در نشریات دیگری که بزودی و بتدریج درباره مسائل مختلف سینما انتشار خواهد یافت از این نظریات استفاده شود.